



وزیر فرهنگ از فردوسی و شاهنامه می‌گوید

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی به مناسبت بزرگداشت روز ملی حکیم ابوالقاسم فردوسی و پاسداشت زبان فارسی، شاهنامه را رفیع‌ترین قله ادب پارسی خواند. سید عباس صالحی در این پیام نوشته است: آسمان سراسر افتخار و عظمت ادبیات ایران، سرشار از ستارگان پرفروغی است که تاریخ بلند و پرشکوه ما را همواره

روشن و تابنده نگاه داشته است. فرهنگ غنی این سرزمین به واسطه بزرگان و مفاخری زنده و پویاست که اندیشه و منش آنها، برگ‌های زرینی در دفتر اوراق فرهنگ و ادب فارسی آراسته و درخشان فرهنگ و هنر ایرانیان را در جغرافیای پهناور و تاریخ کهن دامن این سرز و بوم به هم متصل کرده است. از جمله قله‌های پرافتخار و زیباترین وجه به تصویر کشید و از این منظر اثری بی نظیر خلق کرده است.

امروز روز بزرگداشت خیام است

و یکی از برجسته‌ترین نمادها در شعر او، کوزه است

شاعر
کوزه‌ها

پیمان طالبی

ادبیات و هنر

۲۸ اردیبهشت، روز بزرگداشت خیام نیشابوری است. شاعری که در کنار فردوسی، حافظ، مولوی و سعدی از او به عنوان یکی از پنج شاعر برتر تاریخ ادبیات فارسی یاد می‌کنند. شعر خیام از ویژگی نمادپر다زانه و رمزگونه‌ای برخوردار است که در آن هر یک از عناصر و المان‌ها بیانگر مفهومی هستند و در پس هر نمادپردازی، تلفیقی از احساسات، قوه تخیل و تجربه و تصویر دیده می‌شود. در رباعیات خیام، نوعی زبان رمزی یا نمادین وجود دارد که

یکی از پرکاربردترین نمادها، کوزه است. این بسامد مضمون‌پردازی در شعرهای خیام به حدی بالا است که تعدادی از رباعیات خیام را امروزه به نام «کوزه‌نامه» می‌شناسیم و عبارتند از رباعیاتی که خیام در آنها از مفهوم کوزه و تصاویر و تخیلات حول آن برای خلق مفاهیم استفاده کرده است. در این گزارش به بررسی نماد کوزه در شعر خیام نیشابوری می‌پردازیم و حضور پررنگ کوزه در شعر او را از بعد تاریخی، اجتماعی و ادبی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

کوزه‌گری ادبی

کوزه‌نامه بنابر نسخه فروغی و غنی شامل ۱۰ رباعی، بنابر نسخه صادق هدایت شامل ۸ رباعی و بنابر نسخه دشتی شامل ۷ رباعی از خیام است که در آنها پیام اصلی و مضمون محوری شاعر حول محور کوزه اتفاق می‌افتد. البته کاربرد نماد کوزه در رباعیات خیام پدیده نوظهوری نیست و در شعر قبل از خیام نیز از این موتیف برای بیان مساله مرگ و زندگی استفاده شده است. اما به تعبیر دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب رستاخیز کلمات، تفاوت خیام با دیگر شاعران پیش از خود، که از این موتیف بهره جسته‌اند، آن است که او نخستین شاعری است که از این موتیف بهره‌های گوناگونی برده است. خیام در رباعیات خود می‌کوشد با استفاده از نماد کوزه، مفهوم مرگ و گذرا بودن عمر را به مخاطب منتقل کند. چنان که در رباعی مشهور خود، کوزه را انسانی می‌داند که پیش از این در بند نگاری بوده و روزی عمرش به پایان رسیده و خاک شده و حالا به شکل کوزه در آمده است؛ این کوزه چو من عاشق زاری بوده است

در بند سر زلف نگاری بوده‌ست

این دسته که بر گردن او می‌بینی

دستی‌ست که برگردن یاری بوده‌ست

و در جایی دیگر به این اشاره می‌کند که «دسته و سر» کوزه‌ای که امروز در کارگاه کوزه‌گری ساخته می‌شود، از کلاه پادشاه و دست گدایی است که پیش از این می‌زیسته و خاک شده است؛

در کارگاه کوزه‌گری کردم رای

در پایه چرخ دیدم استاد بیای

می‌کرد دلیر کوزه را دسته و سر

از کله پادشاه و از دست گدای

نیشابور؛ شهر کوزه‌ها

جهان شعری هیچ شاعری از محیط پیرامون او و موقعیت زمانی و مکانی‌اش نهی نیست. از میان حفريات انجام شده در نیشابور ظرف‌های سفالینی مربوط به سده چهارم و پنجم به دست آمده که این ظروف ویژگی‌های صنعتی و زیبایی مخصوصی دارند. با توجه به زیبایی و ظرفیت‌های موجود در این ظروف می‌توان چنین استنباط کرد که کوزه‌های سفال‌سازی نیشابور از بهترین مراکز سفال‌سازی ایران بوده است. دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در مقاله‌ای با عنوان «نیشابور و خیام» که در شماره ۷۹ مجله ریغما منتشر شده است در این خصوص می‌گوید: «وجود تعداد زیادی کارگاه کوزه‌گری در شهر خیام بر سر هر کوی و گذر و نیز به کار بردن ظروف سفالین و کاشی به تعداد فراوان در همه خانه‌ها، خیام را پیوسته با مظهری از اضمحلال بدن و استحاله جسم روبه‌رو می‌کرده است».

بنابراین در اینجا با شاعری روبه‌رو هستیم که هر روز از مسیری می‌گذشته که در آن بوی خاک و صدای ادوات کوزه‌گری قابل لمس بوده و شاعر قصه ما احتمالاً روزی گذارش به حجره‌ای می‌افتد که از کوزه‌گر خالی مانده و کوزه‌های زیبا و مرتب او را بر قفسه‌های حجره

حی و حاضر دیده که چنین سروده است:

در کارگاه کوزه‌گری رفتم دوش

دیدم دوازدهزار کوزه‌گویا و خموش

ناگاه یکی کوزه برآورد خروش

کو کوزه‌گر و کوزه‌خرو کوزه فروش

کوزه‌های اسطوره‌ای

✎ **چشمارو:** چشمارو در لغت به معنای حرز، تعویذ و دعای چشم بد است:

باش چشماروی او امروز تو

بعد از این فردا سپندش سوز تو

(عطار نیشابوری)

از مواردی که در ادبیات به این کلمه برمی‌خوریم، باب دوم بوستان سعدی است. در قدیم کوزه سفالین زیبایی را آراسته و بر پیکره بیرونی آن چهره انسان را نقاشی می‌کردند و به این کوزه «چشمارو» گفته می‌شد. «چشمارو» را مدتی در خانه آویزان می‌کردند و برای دفع چشم‌زخم اهل خانه در آن سکه می‌انداختند. مفهومی که صورت عینی آن در زندگی روزمره ما پول انداختن در قلک می‌تواند باشد. در نهایت در شب چهارشنبه‌سوری «چشمارو» را در کوچه می‌شکستند و مردم سکه‌های آن را برای خود برمی‌داشتند که این تصویر هم می‌تواند مفهوم «صدقه» را به ذهن متبادر کند.

✎ در اینجا هم می‌توانیم به نگاه استعاری اساطیری به کوزه بنگریم؛ کوزه، با خاکی پاک، با دقت فراوان و به بهترین شکل ممکن از خاک ساخته می‌شود و در نهایت می‌شکند (نماد دفع چشم‌زخم) و انسان به بهترین شکل توسط خالق آفریده و با مرگ، چنان کوزه به خاک مبدل می‌شود؛ جامی است که عقل آفرین می‌زندش

صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش

این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف

می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

✎ **در تاریخ:** در گذشته بعضی اقوام ایرانی زمین را مادر موجودات می‌دانستند و بر این باور بودند که انسانی که از خاک (مادر) پدید آمده است بعد از مرگ باید دوباره به خاک بازگردانده شود. ایشان اجساد را به جز دفن کردن در خاک، که شیوه معمول بوده است، به صورت جنین در خمره‌هایی سفالین دفن می‌کردند. از این منظر در هزاره چهارم میلادی، خمره را نمادی از بازگشت به اصل می‌دانسته‌اند.

در فرهنگ نمادها تصویری که از کوزه وجود دارد، از طریق همانا پنداری آن با مفهوم بازگشت به خود و دوباره متولد شدن و صورت غیرانتزاعی آن رحم مادر است، حتی در تاریخ آمده است که گذشتگان اجساد را به شکل جنین در خمره‌های سفالین دفن می‌کردند. این‌گونه به نظر می‌رسد که خیام در سرایش رباعیاتی با موضوع کوزه، نیم‌گاهی نیز به مفهوم کوزه در اساطیر داشته است:

دی کوزه‌گری بدیدم اندر بازار

بر برای گلی لگد همی زد بسیار

و آن گل به زبان حال با او می‌گفت

من همچو تو بوده‌ام مرا نیکودار

✎ **در تعبیر خواب:** خیام کوزه را نمادی از انسان می‌داند. البته این نگاه انسانی به کوزه ریشه‌های اسطوره‌ای دیگری نیز دارد. برای مثال در علم تعبیر خواب، شکستن کوزه در خواب نمادی است از مرگ انسان. امام صادق علیه‌السلام دیدن کوزه در خواب را نمادی از ۹ وضع می‌داند که سه وضع آن انسان است: زن، خادم، کنیزک. همچنین ایشان دیدن کوزه آویزدار در خواب را «زن بزرگوار و صاحب مال» توصیف می‌کنند.

کوزه‌های روزگار خیام

دوران زندگی خیام نیشابوری با چهار رویداد سیاسی همراه بوده است که عبارتند از: سقوط دولت آل بویه، حکومت سلجوقیان، جنگ‌های صلیبی و ظهور اسماعیلیان. از این منظر می‌توان گفت کوزه‌های عهد سلجوقیان از سفالینه‌هایی بوده است که چشم جناب شاعر زمان سرایش به آنان خورده است. اتفاقاً عصر سلجوقیان به لحاظ سفالگری از اعمار و قرون

کوزه آبی

یکی از شاهکارهای سفال ایرانی قرن هفتم هجری کوزه آبی‌رنگی است که در موزه متروپولیتن محفوظ است. در ساختن و تزئین این ظرف و ظروف شبیه آن که بسیار نادر است چندین شیوه سفال‌سازی از قبیل قالب‌گیری و مشبك‌کاری و حکاکی و نقاشی زیر لعاب ترکیب شده است. در دیواره داخلی گردنه ظرف و بدنه آن اشکال حیوانات به‌خصوص حیوانات اساطیر قدیم روی زمینه اشکال نباتی به‌طور مشبك دیده می‌شود. در بین حیواناتی که روی گردنه کشیده شد، تصویر آه‌ودر موقع چرایاد در حالی‌که سر خود را برگردانده و روی بدنه تصویر خرگوشی در حال فرار و سگی که به دنبال خرگوشی است نقش گردیده است.



گلدان‌ها

عده‌ای از کوزه‌های بزرگ که نمونه آنها کوزه‌ای است با لعاب فیروزه‌ای در موزه متروپولیتن، متعلق به همین نوع ظروف سفالی است و تاریخ ساخت آنها را می‌توان اوایل قرن سیزدهم دانست. تزئین کردن این ظرف عبارت است از نوشته‌ای به خط کوفی و بندی که دارای اشکال نباتی طوماری برجسته است.



سفال‌گیری

گرچه تزئینات این نوع از ظروف سفالی مفصل است، ولی معمولاً آنها را برای استفاده طبقه روستایی می‌ساختند. یک‌گروه که در شمال ایران پیدا شده و به ناحیه آمل یا زنجان نسبت داده می‌شود، دارای تزئین بریده‌شده اشکال حیوانات و پرندگان روی زمینه طرح‌های طوماری است. لعاب این ظروف بی‌رنگ ولی با طرح‌های تزئینی به اسلوب ظروف ساخت چین دوره تانگ به‌رنگ زرد، قهوه‌ای و سبز و ارغوانی نقش شده است. این تزئینات دارای بسیاری از صفات مشخصه دوره سلجوقی است و تاریخ ساخت آنها را باید قرن دوازدهم میلادی (ششم هجری) دانست. بهترین نوع ظروف‌گیری اغلب به ناحیه همدان و زنجان نسبت داده می‌شود.



ابریق سفالی

از موضوع‌های مورد توجه دیگر که روی ابریق‌های آبی و فیروزه‌ای دیده می‌شود، تصویر دراویش در حال رقص و تصویر حیوانات و اشکال نباتی و کتابت کوفی است. به‌طور کلی در قرن سیزدهم تزئینات این ظروف بیشتر و مفصل‌تر شد و بعضی از آنها از جمله ابریق‌های ساخت قرن سیزدهم به جای تزئینات حک شده طرح‌های تزئینی قالبی دارد.



سفال با تزئین بریده

سفال‌سازان ایرانی این دوره مانند سفال‌سازان دوره عباسی سعی داشتند از ظروف چینی ساخت کشور چین تقلید کنند. کاسه‌های سفید کم‌رنگ و فنجان و ابریق‌هایی که در نقاط مختلف ایران به‌خصوص در ری پیدا شده دارای شفافیت ظروف چینی است. بدنه سفید اینها سخت‌تر و نازک‌تر از نمونه‌های قرن نهم و دهم است و نشان می‌دهد که صنعت سفال‌سازی ترقی بسیار کرده است.

